



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبنامه‌ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی  
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آیین‌نامه‌ها - بخش‌نامه‌ها - آگهی‌های رسمی و قانونی - سوالات -

شماره تلفن: ۸۸۹۴-۸۸۹۵-۸۸۹۶-۵۴۴۸

سال چهارم - شماره ۱۱۵۴

صفحه ۲۹۳۸

دیر، سید محمدحاشمی

۲ شنبه ۱۱ بهمن ماه ۱۳۲۷

قانونگذاری دوره پانزدهم

شماره مسلسل ۱۶۶۶

روزنامه یومیه

## فهرست مندرجات

- ۱ - صورت مشروح مذاکرات صدوسی و هشتمین جلسه دوره پانزدهم از صفحه ۱ تا ۸
- ۲ - آگهی های رسمی ۹

# مذاکرات مجلس

جلسه ۱۴۸

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز ۵ شنبه هفتم بهمن ماه ۱۳۲۷

فهرست مطالب:

- ۱ - قرائت صورت مجلس
- ۲ - اقتراح شب ششگانه
- ۳ - بقیه مذاکره درباره استیضاح
- ۴ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس پنجاه و پنج دقیقه قبل از ظهر بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید.

## ۱ - قرائت صورت مجلس

صورت مجلس جلسه قبل را آقای صدرزاده (منشی) بشرح زیر قرائت کردند

شرحی که راجع بیانک شاهی توسط آقای حائری زاده تقدیم شده بود قرائت گردید و آقای عباس اسکندری در دنباله استیضاح خود اظهار نمودند مذاکرات جلسه قبل دلائل رد قرار داد تمیدی و تعمیلی بود از نظر حقوقی و دلائلی که در خود قرار داد بود همچنین اشاره به تشکیلات وسیعی که انگلستان در خاورمیانه و ایران بکار انداخته رجال و متنفذین را با اصول و قوانین فراماسون همراز و هم آواز میساختند و بنا بر این متقدم کسانی که در ایران بر طبق این اصول بستگی و تمهیدی داشته باشند نباید متصدی امور کشور شوند و یا عضویت خود را در تشکیلات فراماسون تکذیب کنند سپس بموضوع

یکساعت و پنجاه دقیقه بظهر روز سه شنبه پنجم بهمن مجلس بریاست آقای رضا حکمت تشکیل و صورت جلسه پیش قرائت شد.

اسامی قائمین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده است:

قائمین با اجازه - آقایان: حسن اکبر - جوادهامری - دکتر راجی - اورنگ - دکتر معظمی - اقبال - عبدالرحمن فرامرزی - دکتر آشتیانی - حسین وکیل - اسدی - صاحب دیوانی.

قائمین بی اجازه - آقایان: بیات - دکتر بفانی - مهندس رضوی - نولیت - سلطانی - اخوان منصف - ابوالقاسم بهبهانی - ابوالحسن رضوی - آصف ناصری - بهار - بدین اسفندیاری - قهرمان.

ملی شدن صنایع بیرمانی و نطق وزیر خارجه انگلستان مبنی بر قبول رویه دولت مشارالیه و نیز تصدیق آقای تقی زاده مبنی بر فساد این قرار داد و لزوم لغو آن و فروش نفت بدولت انگلیس پرداخته شرح مفصلی ایراد نمودند و معتقد بودند که منابع نفت ایران نیز باید ملی شود و خساراتی اگر مورد مطالعه باشد با مذاکره حل و عقد گردد و در صورت مقاومت دولت انگلیس جاههای نفت را خراب خواهیم کرد تا کشور ما میدان مبارزه و رقابتهای سیاسی نشود و اینکه گفته میشود بدآوری بین المللی می خواهند رجوع کنند چون گیتی متعلق بزورمندان جهان است همانگونه که با مصر معامله کردند یا ما هم عمل میکنیم و این مصلحت مملکت ما نیست.

سپس با قرائت قسمتی از مصاحبه آقای نخست وزیر با مخبر رویتگر گفتند هرگاه افراد دولت در این مصاحبه شرکت داشته اند که باید مستعفی شوند و الا خود آقای ساعد باید استعفا بدهند زیرا این مصاحبه بخلاف مصالح مملکت بعمل آمده است. ادرینجا آقای اسکندری بموضع تشکیلات مملکت و زندگی و ثروت مردم و کثرت مستخدمین دولت و سنگینی بودجه مملکت پرداخته گفتند در حکومتی که ما تشکیل دهیم لااقل بانصد میلیون تومان از این بار سنگینی که بر دوش ضمه تحمیل شده کسر خواهیم کرد و اعضاء دولت باید بدانند که اعمالشان دادرسی خواهد شد و جز مناقع ملت و مملکت نباید منظور دیگری داشته باشند سپس در موضوع دوستی با دولت اتحاد جماهیر شوروی و دول انگلستان و



امریکا و حفظ سیاست موازنه بر اصل احترام متقابل شرحی بیان داشته معتقد بودند که بهترین مناسبت باید این قرارداد تعمیلی ملتی شود .

یکساعت بعد از ظهر جلسه خانه بافت و بصبح روز پنجشنبه محول گردید .

**رئیس** - نظری نسبت بصورت مجلس نیست ؟ آقای اردلان در صورت مجلس فرمایشی دارید ؟ **اردلان** - بله مربوط بصورت جلسه است عرض کنم صورت مذاکرات مجلس را که هر روز عصر بما میرسد دوسه جلسه است که نرسد خواستم از مقام ریاست استعاضا بکنم که باز مقرر بفرمایند که عصرها برسد . آقای عرب شیبانی هم از منزلشان بمن تلفن کردند . مرض هستند و نمیتوانند بیایند و بمجلس برسند این است که خواستم عرض کنم ایشانرا غایب با اجازه مرقوم دارند .

**رئیس** - آقای عباس اسکندری **عباس اسکندری** - البته بصورت خلاصه چنانکه باید و شاید نبود و من در آن مرضی ندارم ولی يك قسمتی در آن اضافه شده بود که بنده گفته ام تاعضویت خود را در تشکیلات فراماسون تجدید نظر کنند همچو چیزی نیست (صد زاده - در صورت جلسه نوشته شده تاعضویت خود را در تشکیلات فراماسون تکذیب کنند) این درست است .

**۲- اقرار شعب ششگانه**

**رئیس** - صورت مجلس بعد تصویب میشود . امروز موعد انتخاب شباست بحکم فرعه اول شروع میکنیم بانتخاب شعب هر شعبه ای ۱۶ نفر بشبه اول و دوم يك نفر علاوه میشود .

(اقرار بعمل آمدن نتیجه بقرار زیر اعلام گردید)  
شعبه اول - آقایان: محمد گرگانی - افغمی - ظفری - صفا امامی - وثوق - دکتر فلسفی - کعبه - کشاورز صدر - خسرو قشقائی - دکتر اعتبار - ملک مدنی - لبقوانی - احمد فرامرزی - شریعت زاده - دهقان - صادقی - کنجی - وکیلی - نواب .  
شعبه دوم - آقایان : قوامی - حاذقی - ابوالقاسم امینی - سید علی بهبهانی - دکتر مظلمی - اورنگ - اقبال - آزاد - لاهوتی - حسین وکیل - قادیان - نراقی - حسن مکرّم - صاحب دیوانی - صاحب جمع - محمد حسین قشقائی - صفوی - امامی اهری - مشایخی .  
شعبه سوم - آقایان : ملکی - ملک پور - دکتر داموندی - نبوی - بالیزی - فضرفری .  
شعبه چهارم - آقایان : دکتر مجتهدی - ضیاء ابراهیمی - سالار بهزادی - تقی زاده - دکتر عبده ارباب گیو - کفائی - حکمت - شریف زاده - مهندس هدایت - امین - سلطان الملک - کامل ماگونی - عباس مسعودی - فاضلی - اردلان - آشتیانی زاده - منوچهر گلبادی - بهادری .

شعبه پنجم - آقایان : حاج آقا رضا رفیع عمین زاده - مسعود تابتی - دکتر شفق عباس اسکندری خوئیاری - حسن اکبر هامری - نیک پور - دکتر مصباح زاده - عباسی - رحیبیان - محمد ذوالفقاری - آقا خان بختیار - صدر زاده - امیر تیمور - گنابادی - اسدی - فتعلی افشار .

شعبه ششم - آقایان : امامانی - دکتر ملکی سزاوار - امیر نصرت اسکندری - اسلامی - اعظم زنگنه شادلو - بودا قیابان - امیر حسین ظفر بختیار - شهاب خسروانی - عرب شیبانی - اهراز نیک بی - دکتر طباطبائی - دکتر متین دفتری - دکتر راجی - برزین - محمود محمود - سید هاشم و کپل - عدل اسکندری .  
بشبه اول اضافه میشود آقای محمد علی مسعودی .  
بشبه دوم اضافه میشود آقای هراتی .

**رئیس** - تندی دارم در اولین فرصت شعب تشکیل شود و هیئت رئیسه خودش را انتخاب بکند بعد هم از هر شعبه ای يك نفر برای کمیسیون عرایض و يك نفر برای کمیسیون مبتکرات انتخاب کنند . چند نفر از آقایان قبل از دستور اجازه خواستند که صحبت کنند ( نمایندگان دستور - دستور ) آقای عباس اسکندری بفرماید .

**۳- بقیه مذاکره درباره اسمیضاح**

**عباس اسکندری** - در جلسه گذشته آقایان نمایندگان محترم مستحضرنه که مطالبی که اینجامذا کرده شد يك قسمت راجع بدلائلی بود بر رد قرار داد تعدیدی و تعدیلی نفت از نظر حقوقی ، يك قسمت از نظر عدم تساوی در خود همین قرار داد و مذاکرات دیگری که راجع بسیاست عمومی دولت بود و تذکرات و توصیه های دوستانه ای که من بآقایان نمایندگان از نظر این کمدهتی با آنها افتخار همکاری داشتم کردم راجع باینکه ،

ای بسا ایلیس آدم رو که هست پس بهتر دستت نباید داد دست

در صورتیکه اشخاصی دارای این صفات و شرایط باشند و آنها هم تکذیب بکنند و بگویند که نیستند یا نگویند و تکذیب نکنند با اصول و آئین نامه های که برای این طبقه مردم هست من در خیر ملت ایران نمیدانم که این اشخاص در کارهای عمومی کشور دخالت بکنند (صحیح است) البته روزیکه من در این موضوع بزرگ و مهم آمدم پشت این کرسی خطاب بخواهی مستحضر بظلمت آنچه که میگویم بودم . من انتظار ندارم که خداوند گاران نفت بصرف اینکه من در اینجا میگویم آنها از منافع خودشان دست بردارند ، آنها بتمام وسایل البته متشبت میشوند و حق آنها هم هست ، اما من تأسف دارم از کسانی که حق آنها نیست برخلاف این منظور ، این منظور ملی عمل کنند والا شما تصور میکنید من نمیدانم برای من چه مشکلاتی اینجا هست ؟ و برای هر کسی که بخواهد در این کشور بر له منافع مملکت خودش حرف بزند ؟ خیر میدانم ، هر سری کسی زهشق داشت میبردش - گوبکوی و برزن کو بگو بردش . من از این حرفها نمیترم بنده اینجا مطالبی را که گفتم بازم تکرار میکنم آقای دکتر مظلمی که در این مجلس هستند در مجلس چهاردهم بودند نایب رئیس کمیسیون خارجه بودند (کجا تشریف بردند؟ الان در مجلس بودند لابد الان بر میگردند) ایشان شاهد این قضیه هستند و کسانی که در این امر اینجا من از آنها صحبت کردم هنوز حیات دارند و ایشان هم باید بیایند یا بگویند صحیح است یا بگویند غلط است (من را گذار میکنند آقای دکتر مظلمی) در کمیسیون خارجه وقتی که وزیر خارجه وقت آقای نجم الملک حضور داشتند و ایشان هم نایب رئیس بودند آقای دکتر مصدق وارد میشوند بکمیسیون خارجه و میگویند این چه

کاری بود که تو کردی تو وزیر امور خارجه هستی این موضوع چیست؟ البته يك قدری تند تر از این (حاذقی ایشان باین بی ادبی صحبت نمیکند) بنده خیال میکردم که این مسافرتی که شما فرمودید خیلی عوض کرده شمارا اما مبین هیچ تغییر نکرده اید (خنده نمایندگان) (زنک رئیس)

**دهقان** - چه خنده ای دارد؟ **حاذقی** - اگر ایسان این ملت ضعیف نشده بود قدر مملکت را میدانستید

**عباس اسکندری** - بشما میگویم امروز من آن مطالبی را که باید بگویم میگویم و از این مجلس میروم و نخواهم گذاشت که شما هستی این مملکت را بغارت بدهید هر کسی این رویه را پیش بگیرد من با او مخالفت میکنم من تمام مطالب را خواهم گفت . . . .

**محمد علی مسعودی** - بفرمائید **عباس اسکندری** - من همه مطالب را خواهم

گفت . **رئیس** - ساکت باشید آقای مسعودی

**عباس اسکندری** - دستور بفرمائید ساکت شوند والا خارجشان کنید ، تمام را میگویم من ارباب کبخیرو نیستم در این مجلس (زنک مستد رئیس)

**محمد علی مسعودی** - تو جاسوس خارجی هستی ( زنک مستد رئیس) که این مطالب را میگویی تو جاسوس هستی

**عباس اسکندری** - این نفت است که اینکار هارا میکند (زنک مستد رئیس)

**رئیس** - آقای اسکندری و آقای مسعودی بفرمائید بیرون فحشهای خودتان را بدهید بعد بیایند اینجا که جای فحش دادن نیست .

**عباس اسکندری** - بدانید آقایان تمام مطالبی که گفته میشود با سند خواهد بود پرونده موجود در دادگاه جنائی رامیکویم . تمام رامیکویم و از هیچ چیز مضایقه ندارم بالاتر از این نیست هر کدام هر چه دارید این سینه بنده است من از این جا یائین نخواهم آمد تا تمام این چیزها را نگویم (محمد علی مسعودی - بفرمائید) این موضوع مهمتر از اینهاست ، من با این حرفها از میدان در نمیروم ، من میدانم تمام دستهایی که هست حاضر است ، هر کسی هم میخواهد بیاید بگوید یا حق ملت ایران یا هیچ هیچ بین الاقبتنی ندارد ، فاصله بین اینها ندارد باید زود تر تکلیف مردم در این مملکت معلوم بشود . بله عرض کنم که ملک الشمره بهار استاد سخنگوی ما که متاسفانه حالا در بین ما نیست او يك شعری گفته است و میگوید :

یا فشاری و استقامت میج سزد از عبرت بشر گردد بر سرش هر چه بیشتر کویید باقشاریش بیشتر گردد

بفرمائید مشت هایتان را بیآورید بنده حاضرم **محمد علی مسعودی** - بنده هم حاضرم

**رئیس** - شما آقای مسعودی اجازه خواستید در موقع خود صحبت بکنید دیگر قطع کلام ناطق نکنید .

**محمد علی مسعودی** - بنده خطاب نباید بکنند آقای رئیس .

**عباس اسکندری** - ما صحبت هائی که کردیم راجع بسیاست عمومی دولت برای وحدت ایران شرحی راجع بحسین اینجا صحبت شد اتفاقا امروز در داخل مجلس این مراسم را بنده دادند چه نوشته است راجع بین کاری بان ندارم این کافندی است که از بحرین آمده است اینجا و این شخص ، این ایرانی يك نژاد میگوید که برای شما لازم است که به نمایندگان بگوئید و برای آنها کافی است این کافندی که از بحرین میباشد تیرهای زرد ششم را دارد و شماها نشسته اید و نگاه میکنید و بحرین جزو ایران است و این بیکر ایران را قطعه قطعه میکنند و روی کافندان تمبر زرد ششم میزنند (صحیح است) چه نشسته اید چه میخواهید ؟ چه میگویید؟

**حاذقی** - بیایید دولت را تقویت کنید **محمد علی مسعودی** - چکار داری آقا که مجلس را متشنج میکنی .

**حاذقی** - آقا با حرف که بحرین بر نمیگردد دولت را تقویت کنید تا بر گردد

**مکی** - حاج آقای س با چه بر میگردد ؟ **حاذقی** - با عدل باید دولت را قوی کنند و پشتیبانی کنند تا بر گردد

**عباس اسکندری** - با دولتی که میگوید من میخواهم اجرای قرارداد نفت را بکنم ؟ بله آقا درست است آقای حاذقی صحیح میفرمائید ، شما کار خودتانرا بکنید ، افراد دولت کار خودشان را بکنند . بنده همیشه نسبت بآقایان نمایندگان کمال ارادت و کمال ادب را دارم ، البته من آنها میکنم چند نفر را ، منهای چند نفر (خنده نمایندگان) و همیشه بحسن نیت این آقایان هم عقیده دارم ، کارهایی هم البته برخلاف شده است ولی من بیشتر خیال میکنم که سوء نیت نیست و اشتباه است ، اما مرحله ای که امروز ما صحبت میکنیم فراق بین این دو مطلب است صحبتهای سابق ما راجع بامور داخلی مملکت بود و گاهی ممکن است اختلاف سلبه يك چیزهایی پیش بیآورد . اما این جا جای صحبت و تردید و اینها نیست راه روشن است یا باید ایرانی باقی ، آزاد ، مستقل بماند یا هیچ . یا بخواهد طوق اسارت بردست و پای این مردم باشد و این مردم برهنه و گرسنه در کنار خیابانها بیخ بزنند و چون اینها هادت دارند بگردن ، هادت دارند بذهنلت صبیی ندارد ، در تابستان از گرما تلف بشوند از برای اینکه مردمی هستند در دنیا که عادت به ناراحتی ندارند پس ما حاجت به پول نداریم ، پولهایمان را بدهیم بانها که آنها که زندگی دارند زندگیشان راحت تر و مره تر باشد .

بنده دلالی را که از نظر حقوقی گفتم ده قسمت بود که این قرارداد صلا باطل است در صورت مفصل مجلس هست چون میخواهم چیزی اضافه کنم و یا تکرار کنم از نظر مابیی که در خود قرارداد بود موادی که در این قرارداد جدید تنظیم شده بود ماده ۱۱ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۶ اینها تمام بشرط ایران تمام میشود یعنی قرارداد منساقی نیست قراردادی هم که امروز در دنیا گذاشته شود که رهایت تساوی نشده باشد طبق منشور ملل متفق آن قرارداد باطل است و تعدیل قوی را بر ضعیف دنیای امروز قبول ندارد اما در جلسه گذشته من

يك مطلبی را اضافه کردم و گفتم که این قرارداد نه تنها از نظر من که بان ایراد میکنم و يك مردمی که متعرض هستند یعنی جامعه ملت ایران بلکه از نظر شخص جناب آقای تقی زاده هم این قرارداد فاسد است ، گفتم در این موضوع سندی دارم این راهم بعرض مجلس شورای ملی برسانم این ورته است که اینجا موجود است بغط و امضای ایشان و البته کلبه هم شده است در موقعی که ایشان مراجعت کردند از مسافرتی که بودند البته مستحضر شده بودند که اینجا يك مذاکراتی در مجلس شده است ، ما هم این مذاکراتان را روی زد و خورد و مخالفت با يك شخص معینی نکردیم ، گذشته از اینکه من همیشه توضیح داده ام که قبل از این جریان که این قرارداد در ۱۹۲۳ انجام شود بنده يك روش دیگری داشتم بر همه هم معلوم است ، در یکی از موارد پیش آمد کرد ایشان یکی دو دقه مذاکره کردند ، صحبت کردند در این موضوع بوجهی بنده راجع بیک شخص ثالثی چیزی نوشتم بایشان ایشان هم به بنده جوابی دادند این جواب که انشاء الله اگر در دنباله آن همانطور که من اینجا میگویم ایشان هم بگویند تمام اختلافات من و ایشان و خیال میکنم تمام ملت ایران منتفی خواهد بود و منظور انجام خواهد شد و اگر نشد خود این یکی از دلایل نقص این قرارداد خواهد بود ایشان در جواب بمن نوشته اند : « بسیار متشکرم و همانطور که قبلا هم با شما و آشنایان و دوستان گفته ام که ابدأ قیاری از انتقاد کنندگان در دل ندارم و مخصوصاً از جناب عالی که طبعاً هم هیچ غرض نداشته اید و حتی بدلالی که میخواهم اینجا نوشته شود امیدوارم که این استنادات نسبت بشخص بنده موجب ثمره و اصلاح فسادی گردد . سید حسن تقی زاده ، عرض کنم که بنده انتقادی که از آقای تقی زاده کردم فقط راجع بقضیه نفت بود ( اسلامی - آقا این سند اجازه فرمودند اینجا بخوانم . . . آقا ۱۷ ماه در این موضوع ملاحظه میکنید نه شما نه دیگری این اندازه استقامت بنده را ندارند چون من خواستم هم رعایت ادب کرده باشم وهم تمام اینها را میخواستم ملاحظه بکنم در مدت ۱۷ ماه در این موضوع چیزی نگفتم ولی امروز ناچارم بگویم .

فرصت شمار صحبت گزینید در راه منزل چون بگذریم دیگر نتوان بهم رسیدن این حساب ملت ایران است هیچ برورر کرد ندارد ما اگر از این وضعی که داریم ، اگر نترسیم و اگر فرصتی را فوت کردیم دیگر راهی برای ملت ایران نمی ماند اینستکه مجبور شدم این کار را بکنم بریزد هم عرض کردم و گفتم بنده انتظار دارم از ایشان که با کمال محبت بملت ایران اقدامی بفرمایند ، همانطور بیکه نسبت بنده محبت فرمودند که امیدوارم این کار شما انشاء الله ثمره اصلاح فسادی شود بنده استعاضا میکنم و میخواهم که ایشان مقدم بشوند من در حضور همه شما نمایندگان میگویم که تنها مورد اختلافی که ما داریم ( چیزهای دیگر که نبود و الا من میگفتم ) که این ممکن است باین دلیل ایشان زعمی بودند پیشوا بودند مقتضی دانستند ، این مورد

اختلاف ما بود ، من همه شما قول میدهم اگر این موضوعی را که برای دفع اشتباه یا برای هر چه که هست ایشان مقدم بر این امر بشوند « باقی عمر استاده ام بفرات » و بشما هم میگویم که تبعیت کنید ، هیچ راهی جز این هم ندارد و يك رفتی است که آدم يك موضوعی را مجبور میشود اشتباه میکند احترام باشتباه بسیار بسیار مفید است اگر گفته شد حل بسیاری از چیزها را میکند ، نظر مردم را هوس میکند اما يك وقتی است که نه اشتباه نیست اجبار نیست این دیگر معلی باقی نمیکند ، بنده بازم میگویم که احترام میکنم بکسیکه بانام این صحبتها می کرد ، بیاید و تقویت بکنند دنباله این راه را بگیرد و تبعیت بکنند . یکی دیگر از دلایلی که برد این قرار داد است راین است که مجلس شورای ملی (در صورت مفصل مجلس هست) در موقع طرح اعتبارنامه آقای تقی زاده اینجا داده است شما بان طرح مراجعه بکنید ، تنها راین است که این مجلس شورای ملی مشروط بشرط داده و میگوید که ما رای میدهم باعتبار نامه آقای تقی زاده ولی قید میکنم که این رای مربوط بعمل ایشان نیست در صورتیکه در تمام دنیا همیشه راینی که داده میشود منطبق با عدل است و این حکایت از این میکند که مجلس شورای ملی ( صورت مجلس حاضر است ) جامعه مجلس مخالفت کردند ، این یکی از دلایل برد و فساد قرار داد است ( دکتر طباطبائی - باقرار داد مخالف بود نه با آقای تقی زاده ) همان را دارم عرض میکنم ، احسن آقای دکتر طباطبائی صحیح است من از شما غیر از این انتظار ندارم ، همین دلیل در رای با آقای تقی زاده قید گردید صحیح میفرمائید بنده تقاضای دیگری هم دارم که برای سیاست عمومی کشور لازم است در مجازات و مکافات یعنی آنها بیکه خوب میکنند آنها را تشویق بکنید و آنها بیکه بد میکنند باید تعقیب شوند و مجازات گردند من خیال میکنم آدم بی ضررتی ، مفیدتر ، گوشه گیرتر از ارباب کبخیرو نبود ( یکی از نمایندگان - از کی ؟ ) ارباب کبخیرو ، اینجا و کپل مجلس شورای ملی بود در طی ده دوازده دوره تمام آثار بیکه شما از مطبوعه مجلس واز تمام مستنداتی که اینجا می بینید تمام اینها در نتیجه زحمات این مرد است و ضرر ندارد در این موقع که از سیاست عمومی کشور و نقص تشکیلاتان صحبت میکنیم او را شاهد مثال بیآوریم یکروز در روزنامه نوشته شد که ارباب کبخیرو شب گذشته سخته کرد این سخته در آن موقع رایج بود ( خنده نمایندگان) البته آنروزها صحبت نمیشه ولی رسماً بر نمایندگان مجلس شورای ملی فرض است از نظر حفظ اصول مشروطیت از برای بقای مجلس شورای ملی . برای باز خواهی خون يك و کپل مجلس و کپلی که باو نمیشه گفت در سیاست دخالت کرده یا بر علیه این و آن ، يك و کپل بتمام معنی بی طرف يك روز دلشان خواست که او را خفه کردند ، او یکی از دوستان بنده بود ولی البته چندین برابر اینکه با من دوستی داشت با آقای تقی زاده دوستی داشت من هر وقت می بینم آقای ارباب گیو در خدمت آقای تقی زاده هستند و میکنند و میخندند من بساط محبت های آقای تقی زاده بارباب کبخیرو میاقم ، با ایشان هم همینطور بودند من انتظار دارم که چند کلمه



هم آقای ققی زاده راجع بان رفیق مقتول خودشان مثل من در پشت این کرسی خطابه بگویند، والا بنده نگرانی دارم و خیال میکنم این ارباب گرو هم همانطور است همان سلامت نفس را دارد و داخل در بندو بستها هم نیست (اسلامی - اینکه مربوط باستبضاح نیست) در سیاست صومئ دولت و نقض تشکیلات دولت است آقای اسلامی من بفر تو هستم یک روز می بینی که همین مرحله برای تو هست ، بگذارد یک نفر دیگری باشد که لا اقل بگوید خدا رحمتش کند (خنده نمایندگان) حالا میل نداری خودت میدانی بعد از شهریور این موضوع در دادگاه جانی طرح شد یعنی باین معنی که اشخاصی که برای کارهای دیگری گرفتار شدند آن اشخاص در ضمن سؤال و جواب گفتند و واقعه قتل ارباب کیخسرو در این پرونده موجود است این پرونده در دادسراست تا آنوقت همه نمایانند بعضی ها حدسهائی میزدند آیا نمایندگان این کشور آن اندازه شایستگی نباید داشته باشند که اقل راجع بیک وکیل مقتول یک آنکت بکنند چند نفر نیز انتخاب بشوند ولی یکیش هم آقای ققی زاده باشد بروند آنها این پرونده را بخوانند تعقیب کنند ببینند این آدم را کی کشته ، همانطور نگاه میکنید و میخواهید این تعقیب بشود ؟ خوب نشود . شما آقای اهری خودتان در هدیه بودید یک چنین چیزی را میشود بسکوت بر گزار کرد ؟ شما قاضی بودید قاضی خوبی هم بودید ، نگاه نباید کرد که من با کی دوستم و کی با کی است ، یک نفر وکیل ، یک آدم آزاد مرد جزوملاقلیتی که همیشه تحت حمایت این مملکت بودم اند و هستند همیشه در طی ۲۵ قرن نسبت بتمام طبقات اقلیت رعایت احترامشان شده نباید مجلس شورای ملی باز جویی راجع بیک وکیلی که مطابق دوسه مسلم شده کشته شده است ؟ آنوقت بگویند باین تشکیلات میشود امور مملکت اداره بشود؟ این تشکیلات میتواند رفوع حوائج مردم را بکند ؟ این تشکیلات امنیت میدهد بر مردم؟ البته فرصتی بود و بنده لازم میدانم که این چند کله را بگویم و مکرر گفته ام و از این دولتها بدون اینکه نظر خاصی نسبت بیک وزیر مین داشته باشم بواسطه نقض تشکیلات ، بواسطه ملاحظه کارها امید ندارم که اینگونه کارها پیشرفت کند و امنیت اجتماعی و عدالت اجتماعی در این مملکت بر قرار شود ، بنده از مقام ریاست مجلس شورای ملی و از نمایندگان و همام ملت ایران هم میشوند که من این تقاضی را کردم تقاضا میکنم طبق نظامنامه داخلی کمیسیون تحقیق معین بشود از چهار پنج نفر ، اشخاص را هم نمیگویم ولی نظرم این است که یکیش آقای ققی زاده باشد بیاینه پرونده پرونده را ببینند و تعقیب بکنند قاتلین را . آقایان موافقت بکنید این عقیده بنده است . یکی از مواردی که مورد مخالفت بنده است موضوع ساختمان تصفیه خانه هائی است که شرکت نفت در خارج از این کشور در دست ساختمان دارد خوششودم که آقای دهقان هم در این موضوع سؤال کرده بودند و ایشان بدانند که من عادت ندارم حق هیچکس تضییع بشود بسیار کار خوبی بود ، یکی از کارهای خوبی که میتوان بد حساب خودتان بگذارید همین سؤالی است که کرده اید ، اصولا طبق یکی از مواد قرارداد تعمیلی آنچه دارائی شرکت

است در خانه مدت متعلق بدولت ایران است البته یک نکته ای در آنجا گذاشته شده است که دهسال بآخر مدت مانده هر چه را شرکت لازم ندانست و دید ببرد نیخورد ببرد و طبعی است که در آخر مدت شرکت صحرائ لم بزور و یک وادی قفری بدولت ایران تعویض داده میشود یکی از مواردی که این قرارداد غلط است ساختن تصفیه خانه ها در خارج ایران است که شامل آن دهسال بآخر مدت هم نیست ، چون در آنجا قید شده بود آنچه از دارائی شرکت که در ایران است ، چندین تصفیه خانه در نظر گرفته شده که در خارج ایران ساخته شود در حکومت آقای هژیر که بنده اینجا استبضاح کردم راجع باین تصفیه خانه ها بود من گفتم اطلاع دارم ایشان گفتند خیر ، نیست صورت مفصلش در صورت مجلس هست یکی از اینها در بلژیک ساخته میشود یکی در جنوب انگلستان است یکی دیگر هم هست البته کسی نمیگوید یک شرکتی لوله کشی نکند که نقش را برید نه لوله کشی یا یک جاهائی برای فروش نفت مثل این جاها که هست مردم نفت و بنزین میگیرند اینها مربوط بتصفیه خانه نیست . بیست میلیون لیره برای ساختن تصفیه خانه ای است که در بلژیک در نظر گرفته شده و این بهترین دلیل صحیح نیست (امیر تیمور این خرج باید در ایران بشود) مسلماً آقا شرکت تصفیه خانه را با چه میسازد ؟ با پول این پول چیست؟ این پول حاصل صلی است که با آن حسابی که آخر سال میدهد ۲۰ درصد عایدات خالص مال است ، مطابق این قرارداد تعمیلی یا از سرمایه ذخیره میسازد آن راهم کدر ذخیره میگذازد و در رزرو است آن هم در خانه مدت ۲۰ درصد مال ماست یعنی از بیست میلیون لیره چهار میلیون لیره پول ایرانی در آنجا هست و باید در ایران ساخته شود و کارگران ایرانی باید از آن استفاده کنند و کار کنند این را می برند در انگلستان و بلژیک (فولادوند - چهارهشتر قرارداد را تو بیجا صحیح میدانید؟ چون فرمودید تمام این قرار داد صحیح نیست) هیچکدامش صحیح نیست چون تساوی ندارد این قرارداد صحیح نیست ، بهیچ صورت من نمیگویم صحیح است ، این قرارداد قوه قانونی ندارد این قرار داد اصلا نیست وجود ندارد در تاریخی که این قرارداد بسته شده است طبق صورت مجلس های موجوده نمایندگان دوره سیزدهم یعنی نمایندگان که همان دستگاه هم در انتخاب آنها شرکت داشت همانها در اینجا گفتند که ما در مدت بیست سال حق زندگی کسی بر امان قائل نبود و مشروطیت تعطیل بود علاوه امتداد بگفته خود آنهاست ، اینجا نباید تکرار بکنم بنده تفسیر اخبار چهار ساله که سفارت انگلیس انتشار داده است ، سفارت انگلیس در تهران انتشار میداد میگویم خود او مینویسد که ما حکومتی را بوجود آوردیم در ایران ، وقتی که این حرف گفته شد دیگر این یک حکومتی نیست که ما بتوانیم بگوئیم کاین حکومت باید امضا در یک مجلس شورای ملی اینکار را بکنند ، اینها مسلم است از اول تا آخر گفته شده منتهی ماجزئیات این را تجزیه و تحلیل میکنیم تا همه بدانند که این صحبتها که میشود روی شخص نیست برای خاطر یک نفر نیست ، بنده نمیخواستم وقتیکه اینجا صحبت شد راجع بتشکیلات فراموشی

حتی اسم بیرم ، اینجا چند نفر از آقایان نمایندگان کالبته در صورت مفصل مجلس هم هست اصرار کردند و حالا در این جلسه هم نباشد در جلسه آینده تقاضا میکنم آقای دکتر معظمی بیاینه آنچه که هست بگویند با تصدیق میکنند یا تکذیب میکنند ، در وزارت امور خارجه که ایشان حضور داشتند جزء عده بیست نفری گرفته اند و صورتش موجود است در حضور نخست وزیر وقت آقای حکیمی و آقای نجم الملک وزیر خارجه تمام مذاکراتیکه آنجا شده است و حتی آقای نجم الملک وزیر خارجه گفته اند که در هیئت نظارت سه نفری دو نفر نماینده از ما و یک نفر از متفقین باشد آقای دکتر مصدق گفتند که این کاغذ را بگیرید و فوری برگردانید و ما انجام میدادیم توی یاکت و بر میگرددند ؟ اینها تمام جریانات سیر تاریخ است و سیر تاریخ را نمی شود باین حرف ها عوض کرد طبیعی است که اگر بنده بشوایم مخالفت با شخص بکنم اشخاص دیگری هستند چرا باید با یک شخصی که هفتاد و هشت سال دارد مخالفت بکنم چه مناسب دارد؟ اینها یک موضوع مهم است و بایستی گفته شود یکی دیگر از معایب این قرارداد این است که تا این دقیقه عملیات شرکت نفت و لوله هائی که نفت از آن خارج میشود هیچ کنترل نشده است اگر اینطور نیست آقای وزیر دارائی اینجا هستند بگویند تا خلائی را نکویم باید کنترل شود ، متر از آن باید معلوم شود که چقدر نفت خارج میشود ، بکنند تا این دقیقه این کار را نکرده است و هم چنین در حدود یک میلیون و نیم تن نفت در ایران سوخته میشود و هدر میرود در صورتیکه این مال ماست روی همین قرارداد تعمیلی حق ماست مطابق این قرارداد سابق داری تمام شرکتها تابعه باید حسابشان پرداخت شود اما در این قرارداد یعنی این قرارداد تعمیلی راجع بشرکت ها ، قریب سی چهل شرکت است که شرکت ایران و انگلیس شرکت مادی آن محسوب میشود هیچکدام از اینها بجا بهایشان رسیدگی نشده و یکی از آنهافت هراق است من از برای اینکه همه آقایان بخوبی مستحضر باشند بعظمت این روز های مهم تاریخی که آینه در آن قضاوت خواهد کرد مکرر این اسناد و کتب تاریخی را که حکایت می کند راجع بعملیاتی که خداوند گران نفت در دنیا میکنند توجه دادم ، یکی از نمایندگان شرافتمند آقای امیر تیمور فرموده اند که منم در که سیونی بودم که آن شب آقایان نمایندگان در وزارت امور خارجه تشکیل داده بودند و در آن کسبوسون من صحبت و اعتراض کردم البته جناب آقای دکتر مصدق هم موافق نبودند همان شب فرار شد که دولت پیشنهادی را که داده اند نپذیرد و رد کنند مشکر ام از شما آقای امیر تیمور بنام مردم از شما سیاستگذاری میکنم ، هر کس هر چه میخواهد بگوید ملت ایران و مجلس شورای ملی که نماینده ملت ایران است پس از مصاحبه اخیر آقای نخست وزیر (قبل از این مصاحبه من استبضاح نکردم) پس از این مصاحبه جز این راه ندارد که یا ورقه های کبود خودش بگوید که این مصاحبه صحیح نیست و ملت ایران این قرارداد را باین صورت از اول قبول نکرده است (صحیح است) (باتماقلیج - بدولت هافرست داده نمیشود) بدولت ما فرصت داده میشود ولی دولت ما میخواهند مردم را در یک بست بگذارند و قبل از وقت که نماینده شرکت بطهران بیاید قبل از وقت صریح رئیس الوزراه

در مصاحبه اش میگوید من با فشاری میکنم برای اجرای این قرارداد آقای باتماقلیج دیگر محل حرف باقی نیست چه اجباری بود اگر یک مقاصدی در بین نبود که همچو مصاحبه ای بکنند دیگر نبشود انتظار داشت که این رئیس الوزراه چهار می کند این رئیس الوزراه کار خودش را کرد ، مجلس باید بارد این رئیس الوزراه بگوید که این مطلبی که گفته شده صحیح نیست و اگر مجلس نکفت ملت ایران خواهد گفت (باتماقلیج - شصت سال هم بهین طریق میکنند) بنده باین بیاناتی که بعضی آقایان میرسانم استبضاح خودم را از دولت آقای ساعد تمام میکنم در قسمت سیاست داخلی دولت و نقض تشکیلاتی که دارد بطور کلی گفتم تکرار میکنم نسبت بدولت هائی که دارای اینطور برنامه های مفصل و طولانی و بی نتیجه و بی معنی هستند که خود اینها هم معتقد نیستند من اینها را کسانی نمیدانم که بتوانند برای این مملکت قدمی بردارند اضافه بر اینکه عدم صلاحیت افرادی این هیئت دولت هم بر من معزز است . در قسمت راجع بموضوع نفت آقایان نمایندگان باید بدانند در چهار دیواری خودشان ننشسته اند صحبت های ما را گوش بکنند و بعد هم همینطور یک رائی بدهند و بروند ، اینطور نیست . یعنی مردمی حاضر و ناظر هستند و روز رسیدگی بحساب آنها هم خواهد رسید . یک مطالبی هست که مجلسهای هادی نمیتوانند راجع بآنها اظهار نظر بکنند ، قوانین عادی میآید و نسخ میشود ولی یک مطالبی هست که هیچوقت مجلس شورای ملی نمیتواند رای بدهد که یک قسمت این مملکت اگر چه ده متر باشد از این مملکت مجزا شود ، این مجلس اگر تمام صد وسی و شش نفرش رای بدهند بآن ترتیب اثر داده نمیشود منتهی آنها را میبرند معاکه میکنند تکلیفشان را معلوم میکنند موضوع قرارداد تعدیدی و تعمیلی که ما در این مجلس داریم صحبت میکنیم یعنی موضوع هزار میلیون دارائی و ثروت این مردم در ظرف سال برای مدت ۴۰ سال دیگر موضوعی نیست که آقایان بتوانند با غرض عین و مسامحه و ملاحظه اینکه این پیر است ، آن جوان است ، حال ندارد ، ناخوش است ملاحظه اش را بکنیم با این حرفها درست در نماینده بنده آقایان نمایندگان تذکر میدهم که باید برای همیشه این موضوعی که موجب تشنج است ، موجب ناراحتی هست در این کشور قطع بشود و امروز هم همانروز است شما نمیتوانید بعنوان روشی که اخیراً می بینم اینجا حاصل شده و مطابق نظامنامه هم نیست ، یک کسی میآید میگوید پس از استبضاح پیشنهاد میکنم رای سکوت گرفته شود ، رای سکوت مطابق نظامنامه است ولی در موقعی است که مجلس حاضر نیست که رای اعتماد بدهد میگوید میخواهم رسیدگی کنیم حالا رای سکوت میدهم در قبال آن بعد هم رای اعتماد ، این مسخره است ، این خنده آور است ، بهر صورت ، بهر معنی ، مجلس شورای ملی راجع بقضیه نفت جنوب و این قرار داد تعدیدی خارج از انصاف و انسانیست و هیچیاستی دارد دولت آقای ساعد تکلیف اینرا معلوم بکنند . اگر چه پنج روز دیگر هم آقای ساعد بیاید بگویند من مقصودم این نبود باز اکثریت مجلس هم باورای بدهند در این مورد بهیچوجه ممکن نیست و من نمیتوانم ببینم و علی نخواهد شد که بکنفری رای بدهد مگر اینکه این عدل خلاف را بخواهد تصدیق

کند و این عدل خلاف قابل تصدیق نیست ( دکتر طب - آقای اسکندری بهیچوجه اظهار نظر درباره قرارداد نخواهد بود) . . . . . نیست اینطور (اسلامی ایشان اظهار عقیده میکنند ما که تابع ایشان نیستیم) (محمد علی مسعودی - ایشان میخواهند قرارداد را تثبیت بکنند) درین ادوار مجلس چنانکه توجه دارم چهار دوره مجلس آزاد بوده است دوره اول و دوم مشروطیت را تشکیل میدهند . مدتی این مشروطیت تعطیل بوده است ، چنانکه حالا میگویند بنده از شهریور مشروطیت سوم است . در آن دوم مجلس آزاد قرارداد ۱۹۰۷ را مجلس ایران نپذیرفت . اولتیماتوم ۱۹۱۱ را نپذیرفت . قرارداد ۱۹۱۹ را که همین موضوع نفت بود بهیچ صورت نپذیرفت . هیچ مجلسی در این مملکت نمیتواند روی این مصاحبه رای بدهد و من بشماها تصریح میکنم جای اشکال و اشتباه و مغریری شاهان نمیکند درم که روزی بگویند نفهمیدیم و ندانستیم اختیاری با خود شمامت ، رای دست شمامت و من راه باقی نمیکند . ملت ایران می بیند و میشنود که راهی نیست که شما بگویند ما اینطور استنباط کردیم ، اینطور فهمیدیم ، خیر اینطور نیست . کسانی که این مصاحبه را بگفته دیگر برای شما میخوانم ، رئیس الوزراه در موقعی که نمایندگان شرکت نفت تهران میآیند میگویند که در این مورد دولت من نیز صمیمانه میکوشد که در این مورد از حقوق ملت ایران حمایت نموده و نسبت باجاری پاره ای از مواد امتیاز نامه شرکت نفت ایران و انگلیس با فشاری کنده اند که هیچ محل سوسه ندارد ، راه مفر ندارد یعنی دولتی که با این منظور نمایندگان او را اینجا می پذیرند ، آنها را که ورقه سفید بدهند یعنی میخواهند که این قرارداد را تثبیت بکنند . ملت ایران زنده است . ممکن نیست شما بتوانید اینکار را بکنید ، غیر ممکن است . بدون اینکه وارد بشوم در این مرحله چنانکه گفتم با استثنای چند نفر همه تا نرا پاک نهاد میدانم ، همه تان را پاک نیت میدانم ، ولی این موضوع فراق بین من و شما و ملت ایران است و عملتان نشان میدهد چون قضایای داخلی نظری است ، بگوروشا میگویند که در فلان قضیه ما اختلاف داریم با دولت شما طرفدارید من مخالفم ، این قضیه نظری نیست این قضیه تکلیف را بکلی معلوم و روشن میکنند . بنده هیچکاری جز اینکاری که کرده ام از نظر وظیفه ای که در برابر ملت ایران دارم ندارم و مردم دور نزدیک ، ساکنین خلیج فارس تا کرانه رود ارس همه میدانند و میفهمند که من چه میگویم و دیگران چه میگویند و چه میکنند ، آنرا هم میفهمند آینه ای هم هست آن آینه روی آن قضاوت میکنند مخصوصا لازم است پس از اینکه مجلس رای داد که این قرارداد تعمیلی و تعدیدی هیچ قوه قانونی نداشته است باید دولتی روی کار بیاید و اقل برای مدت پنجسال برای قسمت جنوب این مملکت سالی ۵۰ میلیون تومان بگذارد و یک استناد درجه اول یک نایب - السلطنه بان تمام اختیارات در کرانه خلیج فارس برود و عمران و آبادی را کامل کند و مردمی که از آنجا رفته اند ، قرار کرده اند و متواری شده اند و بواسطه همین سیاست نفت ، بلکه جنوب ایران خالی از سکنه شده است مردمی هم که باقی مانده اند تمام اینها کورند و بهداشت ندارند فرهنگ ندارند در پهلوی این کج گرانهای خودشان همه دارند از گرسنگی و

ناخوشی میبرند و تلف میشوند باید آندولت يك چنین برنامه صحرانی داشته باشد آقای صفوی همراجه داشته باشد آقای صفوی بوشهر بندری بود مراجه بکنند بمواند گمرکی آن بوضعیت آن حالا هم مراجه کنید شما ببینید بوشهر جز خرابه ای نیست در مدت بیست سال چندهای شومی تمام سراسر جنوب ما را از بین بردند ، بیگانگان حقاً هم نبایستی دلشان برای ما بسوزد چرا دلشان برای ما بسوزد ؟ آنها برای خودشان دلشان میسوزد خلیج فارس مدت ۲۵ قرن اسباب آبادی و عظمت دنیای آروز بود است امروز این خلیج فارس که ما را بدنیای آزاد اتصال میدهد اصلا وجود خارجی ندارد آنها می خواهند تمام بنادر ما خالی از سکنه باشد تا بیشتر در آنجا نفوذ استعماری خودشان را اعمال بکنند بهرحال یکی از نقص تشکیلات ما موضوع قوای تأمین است در این مملکت باین طرز که قوای تأمین هست بنظر من ماری فلاح و صلاح نمی بینم ژاندارمری ، شهربانی وزارت جنگ متجاوز از ۳۲۰ میلیون تومان یا ۳۵۰ میلیون تومان از این مملکت میگیرند و مصرف میکنند هیچ کاری ندارم که حسن نیت دارند یا سوء نیت ، بنده پیشنهاد کردم که هیئت رسیدگی برود و رسیدگی کند اما آنچه که عقیده مسلم من است این است که این مملکت جنگ با خارجی نمیکند این مملکت میخواهد مرزهای خودش را حفظ بکند از حمله بیگانگان ما باید يك وزارت دفاع ملی داشته باشیم این هر سه را هم آنجا جمع بکنند صد میلیون هم از آن کسر بکنند و با آقای وزیر جنگ با هر کسی که وزیر جنگ است بگویند آقا در این حدود چهار دیواری باید اینقدر کسر بشود و یک چیزی از برای دفاع مملکت ( فولادوند - يك ژاندارم ماهی هشتاد تومان حقوق می گیرد آقای اسکندری) این نظر قطعی من است چون بنده خیال میکنم ممکن است دیگر خدمت آقایان نرسم .

( در این موقع حالت ناخوشگوارانه بناطوق دست داد و تا آخر نطق باینحال بود )

**فولادوند** - مسافرت تشریف میبرید ؟

**باتماقلیج** - ( اشاره به پیشخدمت پارلمان ) يك استکان آب بیر سربز .

**اسکندری** - . . . . . هست آقا . هست خیلی از آقایان بنده من میخوام بهرحال رای و نظر با خود آقایان است ولی این موضوع مملکت ایران است نکتید کاری که اسباب بدنامی و زحمت و بدبختی این مردم بشود بنده بشما صریحاً میگویم من الان که از اینجا رفتم برخلاف آنچه که آقای محمد علی مسعودی انتظار داشت . در صورت مفصل مجلس هست که مینویسد آرزوی و کالت دوره شانزدهم را بگویند بنده بشما عرض میکنم که آقای مسعودی من آن آرزو را بگویم میرم اما شما هم آن آرزو را که دارید بگویم میرم من امروز این مجلس را ترک میکنم برای همیشه و من نخواهم آمد در مجلس که ببینم بهترین دولتی رای میدهند ، این مجلس مال شاهان و من صریحاً میگویم در چنین مجلسی شرکت نمیکند شما هم اسباب بدبختی و فلاکت این مردم ستمیده را فراهم نکنید کاری نکنید که در تمام دوره مشروطیت ایران نشده است . من بشماها میگویم که تبعیت دولت ساعد تثبیت قرارداد است

**صفوی** - منم بمملکت خودم علاقه دارم ( زنگ رئیس )







تیر اختیاری و بدون رضا و باند داشتن هیچ سهمی در کار مطلقاً و اصلاً و ابداً البته خیلی فرق دارد با چنان بدگمانیها و اسنادات جاهلانه یا مفرضانه (صحيح است) که جلوه داده شد که من از ابتدا هاملو مدیر و مدبر و مطرح ریز همدی این کار بوده و سعی در حصول چنان امری کرده با خیالش را در خاطر پرورانده بودم تاچه برسد بآنکه با وسوسه شیطان مرا حاصل اصلی یا عمده نشان بدهند این حملات همچو وقت از روی فهم و خلوص نیت و وجدان و بیغرضی واقع نشده و فقط اگر نقشه های همدی در امری بوده دو همین قصد ترضیح اشخاصی بوده است که عدم دخالتشان بایستی بدیهی باشد ولی در آخر مطلب میخواهم دو نکته مختصر نیز بگویم و ختم کلام کنم یکی آنکه گذشته از هر چیز و هر پیش آمدی سعی در ضایع کردن ولطمه زدن بر کسانی که تمام عمر را بدون انقطاع بنیت خیر گذرانده و عمری با قصد خدمت خالصانه بمملکت بسر برده اند حتی اگر هم سهو و اشتباهی از آنها سرزده باشد در مصلحت این مملکت و مطابق منافع عالیه ملک و ملت نیست (صحيح است) این را برای تزکیه نفس نیسگویم که خود را گوهری بدانم نایاب در بازار جوهریان بلکه شبه نیز در بازار مبتلا بقطع بی ارزش نیست و این فقط برای مصلحت مملکت میگویم مرحوم فروغی اگر هم تصصیر یا خطائی داشته (که بعقیده من هیچ نداشت) در کار آنها و عدیم النظری بود (صحيح است) که آن تصصیر موهوم در آینده بهمه حال قابل اصلاح و جبران بود ولی کشتن نا جوانمردانه آن را در مرد خدمتگزار با هزاران گونه طعن و توهین و ناسزا صد سال دیگر قابل جبران نیست من چهل و دو سال و دو ماه قبل در این بنا برای خیر ملت اولین بار حرف زدم و پس از زمان کوتاهی دیگر راهی در این محوطه نخواهم داشت و شاید در دنیا هم نخواهم بود و بنا بر این این عرایض من حکم آخرین

فریاد يك خيرخواه حقیقی و صمیمی این ملت را دارد که میتوان مانند نصیحتی خالصانه بجوانان مملکت که مصداق فی قلوبهم زیغ نیستند تلقی شود و هم آخرین جوابی است که باین حملات میدهم . دوم آنکه اگر قصد حقیقی با خلوص نیت استیفای کامل حقوق ایران و بدست آوردن گذشته ای باشد راهش این نیست که گاهی بیش گرفته میشود و بآنکه ابراز احساسات و عقاید ملت و کلاه باعث قوت دولت شده دست او را در مذاکرات قوی تواند کرد و از این حیث مفید تواند شد حمله بدوالت و برپا کردن هو و جنجال در موقعی که ظاهراً مذاکراتی در پیش است و امید کامیابی قبلاً مفقود نیست شاید جز زیان بقصود نتیجه ای نداشته باشد آنچه میخواهید بگوئید و بعد پشت دولت بایستید سعی کنید کامیاب شوند و هر روز برای این کامیابی بخلوص دعا کنید و عاقبت وقتیکه نتیجه مذاکرات مقدماتی بعضو رتوان مرصه شد اگر نپسندید بدرد کنید و بیستها بهتر بکنید نه آنکه از ابتدا رسته مطلب را بدست و فو قایدید که مضر تواند شد این را هم بگویم که آنچه من امروز عرض کردم شاید هم بروفق مقتضای بعضی ملاحظه کارها نبود ولی بر طبق صداقت کاملی بود که همیشه روش من بوده است و من چنانکه عرض کردم شخصاً همین اندازه را هم راضی نبودم در جلسه هلنی بگویم اما برای دفع توهمات بی اساس چاره ای ندیدم .

بنده ملاحظات خیلی مفیدی هم برای اصلاح کار دارم که اگر روزی اشخاص بی فرض و ذاری اختیار حل و عقد از من مشاوره کنند میگویم و آنوقت معلوم میشود که بنده نه حامد در ضرر مملکت و نه جاهل بوده ام یعنی نه حرو نه در حال تصعیف حریبنده نبوده ام بلکه در وفاداری بحق و اهل حق همیشه از حبیب بن مظالم و مسلم بن موسجه عقب نبوده و با تاسی باولایای حق مصداق لم یشرک بالله

طرفه عین بوده ام آخرین مطلب این را عرض کنم که مصلحت مملکت يك چیز است . و جزو بحث و اغراض اغراض هم نمیخواهم عرض کنم . لجاج و مخاصمه و منازعه چیز دیگری است . ما باید اغراض را از دل بریزیم و سعی کنیم کار مملکت را اصلاح کنیم هر طور که شما میخواهید هر طور آقای رحیمیان میخواهند هر طور میخواهید ولی این راهش این نیست بنده نمیخواهم چیزی عرض کنم و حالا هم عرض نمیکنم از این مطالبی که اینجا گفته شده صدی هشتادش بی اساس بود ، بی اساس صرف بود (صحيح است) بنده بیایم حالا احتجاج بکنم مدافعه از شرکت نفت که نمیکنم وقتی میگویند مثلاً بیست میلیون در بلژیک صدتا بیشتر خطا بود یکی اینکه ۲۰ میلیون لیره که در شرکت نفت رزرو است مال ایران خواهد بود . (رحیمیان - من جز سعادت ملت ایران چیزی نمیخواهم) بنده خیلی ممنون میشوم اگر آقایان یکدفعه در يك جلسه ای تشریف بیاورند بنشینند آنچه که من میدانم البته نه آنچه را که خدا میداند و من میدانم . اول قسم میخورم که يك خردلی کتمان نکنم و آنچه هست بگویم تا بعد حکم و قضاوت بکنید که آیا راهی دیگر بود ؟ یا خیر اگر هم بوده است شاید ما اشتباه و تصصیر کرده ایم . (احسنت) .

**رحیمیان** — با بیانات جناب آقای تقی زاده که ما بیش از این انتظار نداشتیم این قرارداد انواست با بیانات جناب آقای تقی زاده این قرارداد از درجه اعتبار ساقط است .

**نمایندگان** - صحيح است

**۴- موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه رئیس** — جلسه را ختم میکنیم جلسه آینده یکشنبه دهم بهمن .

(مجلس ساعت يك بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - رضا حکمت